

هرگاه سخن از علم و عرفان و فقه و حکمت به میان می آید به ذهن عموم مردم عالمانی خطور می کند که دارای لباس خاص و محاسن ویژه می باشند اما در حقیقت چنین نیست بلکه عالمان و عارفان و حکیمانی در جامعه شیعی وجود دارند که همانند عموم مردم لباس پوشیده و زندگی می کنند و طبق کلام امیرالمومنین علیه السلام خداوند اولیاء خود را بین مردم مخفی کرده است پس نباید کسی را به چشم حقارت نگاه کنیم و بزرگی را به لباس افراد و شهرت آنان بدانیم چرا که خداوند گاهی برگزیدگان خود را بین مردم مخفی کرده و ما از آن بی خبریم و به آنها به چشم حقارت نگاه می کنیم .

بنده کمترین سال ۱۳۶۹ شمسی بلکه قبل از آن با مرحوم حاج مصطفی ابراهیمی متخلص به امید که از شاعران اهل بیت علیهم السلام در خه خمینی شهر اصفهان بود آشنا بودم و ایشان در سوگ پدر بزرگ حقیر و مرحوم پدرم اشعار عارفانه ای را سرود ولی هر چه به او نزدیکتر شدم و قابلیت یافتیم و در پنهانی با او سر و سری داشتیم فهمیدم که او نه تنها شاعر اهل بیت علیهم السلام است بلکه به حکم « نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت » بر اثر تقوا و سیر و سلوک معنوی در طریقت علوی و صراط مستقیم مهدوی و ریاضت شرعی نفس و مبارزه با هوی و هوس و ترک آرزوهای پوچ ، به مقامی رسیده است که از طریق الهامات و اشراقات مهدوی ، آگاه به معارف و علوم عترت و قرآن شده است و وقتی به تفسیر آیه ای می پرداخت یا نکته عرفانی و معرفتی از حدیثی را بیان می کرد عالمی زنده می نمود ولی در مقابل عموم مردم ساکت بود و خود را شبیه مردم می کرد .

تفسیرها و معارف و نکات عرفانی و اخلاقی او را در مجموعه ای جمع نموده ام و خود منشآت و مقتبساتی از این مرد الهی می باشد که امید است در آینده به همراه مجموعه اشعار او منتشر گردد .

غرض و مقصد من از این نوشتار آن است که بگویم مبدا به مردم به چشم حقارت نگاه کنیم چرا که چه بسا او از خوبان و کاملان بلکه مکملان است و ما از آن بی خبریم و این روش فرهیختگان بوده است و فراموش نمی کنیم که مرحوم پدرم ، عارف و حکیم الهی و فقیه و مفسر ربانی آیت الله حاج سیدبحرالعلوم میردامادی قدس سره نیز چنین بود و می فرمود که خدا بندگان خود را بی ادعا و مخفی در بین مردم قرار داده است و آنها باعث برکات و اجابت دعا

و دفع بلا می باشند و به حق مرحوم استاد حاج مصطفی ابراهیمی متخلص به امید چنین بود
چرا که به حسب آیه ۲۸۲ سوره بقره که می فرماید: « **وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ:** »

پرهیز کار باشید و خداوند به شما تعلیم می دهد .

به مقامی رسیده بود که معارف الهی توسط اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام عصر عجل الله
فرجه نصیبش شده بود .

روزی سروده زیبای خویش را که می گوید :

بر بسمله تو بایی ، یا ربّ عالمینی رحمان و هم رحیمی ، مالک به یوم دینی

را تا آخر اشعار خواندند و به صورتی شرح کردند که عالمی ربانی که در بحث های امامت از
دیدگاه عقلی و نقلی متخصص است شرح می نماید و بصورتی این مطلب را بیان نمودند که اگر
کسی ایراد بر غلو بودن اشعار می گرفت به زیبایی با دلائل قرآنی و حدیثی و همچنین
استنباطات معنوی و الهامی آن شبهه و سوال را پاسخ فرمودند و روز دیگری شعر زیبای :

ای رمز هو الواحد و ای نفس مجرد پور علی آن سحر نبی مصطفی الامجد

انجیل به وصفت ز سوی حیّ مفرد تورات و زبور آمده قرآن محمد ...

را قرائت فرمودند و سپس حکیمانه در باب فرق بین مقام واحدیت و احدیت و اینکه نفس
انسانی مجرد از ماده است مطالب زیبایی را بیان فرمودند که بی اختیار مرا به یاد کلاس های
درسی حکمت یمانی و حکمت متعالیه انداخت و درسهای اساتیدم همچون آیت الله حاج آقا
محمد شاه آبادی و آیت الله شیخ احمد شیخ الاسلام و آیت الله انصاری شیرازی و آیت الله
حسن زاده و آیت الله بحر العلوم میردامادی به ذهنم متبادر گشت با این تفاوت که آنان راه
علمی این معارف را طی کرده اند اما استاد امید به حسب ظاهر به درس عرفان علوی و حکمت
الهی نرفته است اما از راه باطن به حقایق آن علوم آگاه شده است.

در نتیجه این افراد اگرچه در جامعه عادی جلوه کرده اند و عده ای نیز آنان را به تهمت هایی
آزردند اما مشمول حدیث حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می باشند که فرمودند : آنان

نور محبت خدا در دلشان تابان گشته و ... و مردم به خدا و اولیاء معصوم الهی نزدیک نمی شوند الا به برکت دعای آنها و به برکت خاک پای ایشان.

این مطالب را بعد از وفات ایشان به زبان آوردم و هیچگاه در زمان حیاتشان راضی نبودند که در این باره صحبت کنم و روزی مقدمه ای را بر دیوان اشعار ایشان نوشتم و وقتی ایشان مدح خود را در کتاب دیدند فرمودند که اگر این مطالب که در مدح من است از کتاب حذف کردید راضی هستم که این مقدمه را بر دیوان اشعارم قرار دهید و اگر در طی این دو سال سخنی از این مرد الهی نگفتم بخاطر آن است که هنوز باور نمی کنم که او از بین ما رفته است و حتی به خود اجازه نداده ام که در مراسم های او شرکت کنم چرا که فقدان این مردان الهی برای من غیر قابل باور است ولی الان در آستانه دومین سالگرد این عزیز از دست رفته که به حق خادم و عاشق اباعبدالله الحسین علیه السلام و تعزیه خوان و روضه خوان و شاعر آستان آن حضرت بود و بسیاری از اشعار تعزیه و عزاداری ها را سروده بود و تصحیح کرده بود و در باطن اهل عبادت و بندگی و سلوک معنوی بود چند سطری به یاد ایشان نگاشتم تا شاید دعایش در نزد مولایش امیرالمومنین علیه السلام چراغی فراسوی راه من و دیگر از محبان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام که به تولی و تبری پایبندند باشد.

روحشان شاد و دعایشان در حق ما مستجاب باد.

و السلام علیکم سید محمد حسین بحر العلوم میردامادی - نهم رمضان المبارک ۱۴۴۰ مطابق با ۱۳۹۸/۲/۲۵ در آستانه وفات حضرت ام المومنین خدیجه کبری سلام الله علیها